

در صورت درگذشت و خاندان و همه روحانی که نسبت و فانی خاندان آقا محمد علی نه سال در شهر آمل است  
 کرده پیوسته در مسجد و بهرام اعدا شده و چونکه شهر آمل در خانه شادان گذرانند و میرزا احمد بن میرزا محمد علی هم با  
 خاندان و در خانه حریج گذرانند نیز نیستند آورده اند که در روز میرزا محمد علی فوت سمیت سال در خانه پرورن  
 گرفت پس در وفات فرزند میرزا علی علم خان وطن خویش خدمت کردند و میرزا احمد نیز در شب اول آمل  
 نماز مغرب تسبیح نموده و در آن روز که در کستان رسید عشق ابد در سینه او بلای عشق محبت شد فقه شریف  
 حضرت صاحب که در چندین بار در مجلس و در روز غیر با فتوی که در این کتب و در سینه او در کتاب مجلس است  
 نامش گوید در قریب بقبر رسید و کلمات یافت بیست شورت که بنام این در گرفت و در مجلس  
 زایش مسدود و خطرناک گشت و خان بر بهجات این دور در فریبان برینده در پیشه در سال ۱۳۱۷  
 ملک شافت در چندین حضرت فاضل علم شریف گردید و در جهت بایران خود اکناف در سال ۱۳۲۲ مسجد بود که  
 رفت و باز در آن سال در فاضل سرورده در جهت کرد و در حدود فریبان سافرت تسبیح و در آن این  
 در منزل گردید و وقت در سال ۱۳۲۲ هجری شافت حسب اندازه سموات روضه ای و بنام شریف شده  
 و چند سال مانده در گذشت و دیگر از ایشان بر تنه من جای تان و حجاب استی بر روزانه در لیل  
 در خوش و در پیش آقا حسین جوان روزانه و در پیش حاجی آقا محمد کمال روزانه در در ابتدا آقا حسین  
 فریبان سال ۱۳۷۸ و در آقا محمد علی که حضرت فاضل شریف برین شده در سال ۱۳۸۱ در فریبان شریف

دشت و سراف است که ضل با حسین گفت من آدم تا جدت را از به نیست بیرون قدم سپردم چو در کوه  
 نیز قبول کردند و با شکر از بیت شرفشان را که در راه این در تکرار نمودند در بخشش ساقی داشتیم و در سال  
 ۱۲۸۴ چون به سیر زندی برای رفت. امراهی بخوان رفت در درخش روحی تازه در زمین رسید هر یک  
 شکر محبت شکر شدند تا حسین ایامی سرور که نصیبی از آنها چینی بود غمیه ام چه بود از برآورد مراد بر  
 برای دیگر آمدیم در خواب خوشی مرست و درم که باگه درای از دهده که گفت از چینی در خواب  
 خوش خیز که در افق نوزد خوش آمد قیامت شد جان در در به بکان چه در در به بکان نگر آمد دل جان  
 چنین از این محمد نوزد خوشی حاد آمدیم در سیر زندی با عالم صحت تسلی کرد. و بعد از اوج خواند انگاه که  
 چشم پر خنده رفت در خانه که کز شاخس کار نزل نمود و از زمین در گزیدی که چاه صحت تسلی کرده بعد از چند  
 روز بیرون رفت در علم خان لصدوی برآورد و در راه است یارود و میر عبدله و چشمی با طهارت صدق و ایمان  
 در لباس چهار راه یافت و بهر دانشمخت و بهر چند نزد حکمران و صفای رفته در احوال پان نمود و آقا  
 حسین را رایشه و بهر بیانی خوردند و بهر عده بود در چشم فرستاد و تابع و آقا قاسم حسین و عزیز الله را در سیر  
 کرده بهر چند زنده و حاجی با سغلی را بهر چه بودند و از آنجا حاجی آقا احمد برآورد کرده بهر چند بس زنده بهر چه شدند  
 و تا حسین در کلبه شمس حاجی با محمد را نیز دستگیر کرده کردند و کز شاخس عبد الله نام ناخبر حکمت سفر خود از خانه  
 گرفته را کرد و در راه دیگرشان آقا علی را با چوب بسیار زده مشخص نمود پس تغذیه با حسین کرد و در راه را با

این امر که چون بنویسند رسیده شده از وی نشانی در پیش خانه از او گرفته و با دادند و در شهری دیگر باز و در کجایم  
 بودند و با ضرب چوب پستال به زانو برید و تندی تندی فرزند را در دست ضرب غنیف همراه و پنجاه ساله  
 که با ضرب راجل از لغت خلاص نهانند تا اینکه در اسبند و حاجی قاسم مدعی نفوذ به بدل دست  
 با ضرب راجل بر زانو با زانو در دست زدند که در دست چهره زنده در توفیق نبوت بعضی  
 بی وجه شرافت جانش آقا محمد علی محمد سینه خود گرفت بر توفیق ایشان همراه کردند که بگوید نوزده میفاد و  
 در دست کرده است خا فرارین بر توفیق از جانب او بگیر میگردند و در هر یک جدا گرفته و با خود بنهند  
 تا بقول علی و کرمانه احمد و کرمانه حسین و کرمانه علی رضا و علامه علی طبیب و میرزا ابوالقاسم و غیرهم و در آنکه از  
 میرزا ششم در اول سی و نهم نقد گرفته را کردند و با در دستگیر کرده بستاند بستاند کتاب البیان بستاند تا  
 باقیش بماند که در کتاب البیان نزد بود ولی صاحبش آقا حسین مذکور بود که در دیگر از فرزندان علامه بود  
 بعد از گرفتاری سخن میرزا ششم را بنیاد نور و کرمانه عبده نامند که در کتاب در توفیق نقل کرد  
 و با در جانش نیز در حال تا یک بگیرند که کتاب با بدید و الا شسته گردد و در دست چون کتاب  
 توین در که هر کدام بکشند که در خود بود و در یک شسته شود و در این کتاب حکمی شسته در میرزا علم خان رسیده  
 به بابی بخواه کتاب را نه بگیرند و کرمانه عبده نامند آقا حسین بومند که چنانکه یک برین شسته در پیش پنجاه  
 و در دست توین بیست و هجده است از چندان چوب بر پیش فرستند که در شسته قطعه جدا و در شسته جدا



زخوخته شده درمی آید قلبان کشیده و مکرر زدن شروع نموده و با حسین در پیش است و بنده  
 مرده بیان شده و او را شش نادره خوان کرده و زنان چهاره خراب کشیده و مکرر کشنده و تا نوین همان روز که مرده  
 را با کرده و برای بستن ف احوال قطره آب در او شش چکانده و آب که خوش زفت در دست زد که کشیده  
 و اوقام در درازن رویه از پیش پر زنده زنگنه و از حرکت در درازن پیدایش به پیدایش شده است چنانچه  
 روز در تبر حرکت میفاید و چون خردانه بسج پداید چنین قصه کرد که هر در راه در این شسته گردید شکر  
 آبی می آید در با بگو مجربین که کما چندی در محلی پیدایش یافته است و در این شب زنده پیاز در  
 را با بقره در بر لبی گرفته را کرده و حاجی لا جالی شفقت بیات کثیره در راه در این شکر کرد احوال و نمودش  
 تا راج رفت و رفت این پرسته تجارت آیت رضات شمول بود و بیان در تحریک و توفیق میگرد و حاجت آن  
 در فوساگی روزی در قصرستان در حمام میرن که در درو واقفانه در بر داشت و هر چه مذکور دادند که منف  
 حضا که است نشیند چنین جواب گفت که توشی درین فرخنده است و چس بر بنیقیم و در نهان شب یک کوشش  
 بر خورب و دره کتاب بر بنیه بناده هم بهم انده این بر زبان میرند و غایت خود در دیگر دره ساریف به بیان  
 قاین ملا آقا بابا سرچاهی تقریبا در سال ۱۲۷۸ در بطنه نعل قاضی زین شد و نیز آقا میرزا علی بابا شکر در آقا میرزا بابا  
 در کوشش و میرزا محمد علی میرزا محمدی صدر العالی و میرزا ابراهیم و علامه محمد تقی و حاجی محمد لاریه میرزا محمد علی خلیل قاین  
 و تا رسید به قریب که در عهد علی قریه محمدی که سال ۱۲۷۸ در بطنه خیر بیان کرده و در قریه نوره را احوال بی سوری

خوانند در قریش جن واقع در بنده فرسنگی پر چند جمع کثیر از قاضیه و خورشید خور در این امر مشاهده  
شده از احشامین در قیامت سال ۱۲۷۸ در بخش پنجم مشاهده گردید و مانده شنبه آفات حمت در چهار قرصات  
بر پیش شده که این این در بنده شنبه با چند ساندت میزدند و قیامت یک از آنان بیان آورد و پاسید  
میتوب از دیگر اولاد کناره گرفته میج واقع در بنده فرسخی شنبه آفات حمت در صحبت عامه یافت و گاهی مشهود  
زنده داخل رسم در اطاق و با برین معجزه میزدند و در بخش نهم در لاس ایسی در بنده غیر از نیمی چهار شده  
و مانده در شنبه در گذشت در زیر در پیش علی اکبر و اما در ملاحظه بخش تو جان و در کرمانه عکس نگاه غلبه شربت  
در بنده و درده و پیشان در وسط وی بخش سابق در هم این بخش مذکور است و حاجی آقا احمد زنجی با پیش  
حاجی ابوالحسن لوی شرف شده و حسن انبیر که در فته مرجهت کمد و در فرست شدت ترضات مسابین  
در سرچاه بهارت زنده ساکن بر چند سال ۱۳۰۳ در گذشت و پیش حاجی ابوالحسن سال ۱۳۰۱ در لاریگر  
حاجی آقا احمد ملا علی اکبر سال ۱۳۲۲ وفات نمود و در لاریگر که پیش آقا محمد علی سعید ترضات است و در بنده  
در لاریگر بهارت و آفات نمود در گذشت و در قرستان در ولز شاه عبدالعظیم مدفون گردید  
و ملا حاجی صفر پس از تکریمات کثیره نزدیک ترطن شده در سال ۱۳۴۶ در گذشت و از بهتان  
قدیم سرچاه آقا حاجی در سال ۱۳۲۷ وفات کرد و در لاریگر پیش حاجی باقر و حاجی در شاه مرد و در لاریگر  
آقا محمد حسین سال ۱۳۲۸ در سرچاه در گذشت و از جمله متقدمین ملا حاجی محمد بود و پیش آقا محمد و آقا حسین



در پیشان در روز شنبه تریز بیج واقع است که اکنون محارفات دولتی در مدینه جایگزین شده و در جمعه به پیشان سرود که خضر است  
 فرزند سلطانه زغال محترمی که در ضمن بهمان ساکن شهید شمریم ملاحظی والدش کربا زین آفرین صرف در مصلی اربعین  
 بریزی المولد والموطن و بر بزرگی المسکن والدین بود و ملاحظی در بزرگوار تر که در شهر نمایان یافت پس در فروع در تحصیلات شغل  
 عطاری اشتغال جست و در کتب طایفه ابن حجاجی محمد علی بزی که با هم خلط و انزاس داشتند هدایت ابراهیم یافت در اشتغال در کتب  
 شد و حاصل کرد و همان اختیار از دست داده به ناکانه به تسلیح پرداخت و منع حاصله را غالباً به سبب شراب در مصرف  
 نمود و با فقره سر رسید به آن تسلیح در پرت نام نهاد (۱۳۰۸) در تربت رفته چندی توقف کرده در شفقت نمود و در آن  
 اثناء روحی رسید در بفرزند فرزند و با استنباط و محاسن قرب وقوع شهادت و با غلبان عشق و ایمان برای باران پیرینه  
 ذکر شهادت خود کرد و در مجال بیز شفته چندی باز در روز شنبه اشتغال در مسجد بپردخت و تسلیح میگفتان پرداخت  
 و در باران با شوره شفقتی عجیب که در نامه احواش نمایان بود لوح مکرر و ملاقات کرده بابیه فرز شهادت نوشت  
 رشتت همی یافت و چون سه ماه که شت را آثار وقوع شهادت نمایان شد دل فسرده و نالان در گریان نوشت تا  
 با فرقه بزرگیکه در بخش سابقی در قنات سال ۱۳۰۸ گواشتیم شهادت رسید و در آنچنین تقریباً پنجاه سال شهادت و در وی خاندان  
 خضرانه و صاحبان دیگر طایفه ارباب و طایفه الحمید و حاجی محمد محمد علی و حاجی محمد اسمعیل ارباب حاجی میرزا عبدالکریم در شرف  
 مسلحان و متولیان که در حدود سال گیزد و رسید و در کتب حاجی محمد رضا صنفی در زیارت کتاب آیتان بر من شدند و خاندان  
 در امر اجناس نمودند و دختر طایفه ارباب اندوچ حاجی عبدالکریم بزی در آمده خانه رسید که پیشان شد و ضمن در قنات



سال ۱۲۰۸ هجری قمری در کربلا و در عهد ارباب بافت مهاجرت مشی ۱۰۰۰ نفره سکونت اختیار کرده و در ابدان دیگر  
خان در نزاد و فاش نموده و در دستار احمد کابله بر وجهی که نسبت علیه کرده با دوق پرست و عرفان دست در زد و بی عاری که  
حکمت فریب از نور ابان مدیح حکیم در خصوص این امر است کرده و او پس از آنکه چنین جواب گفت آنچه در این قول بود  
رفع آن است در میان این سه که حسان است از دواب و در زینب و در محبت و از حاجی محمد رضا صنها نیز حکایت  
کننده که میگفت روح نهر سید محمده را ندوی در بستان حکیم در نسخ نوی دلدم و در قسم این روح را سینه فریاد ندوی دیگر  
ندیدند و تا پس حکیم روح را گرفت و فرود افتد روح را از پیشان لقمه داده و زگری کرده پسند و بعد از سال مذکور که  
سرود و گریه مشق بود اما است گزیده تعلیم رسنی طفل سید در سال ۱۲۱۷ در گذشت و نیز پسند محمد رضا کاش قیاس  
نمش ۱۱۰ مهاجرت و اقامت کرد و نیز احسن بن حاج سعید بنی در فتنه شده و سرود و تفاق با محمد جمی مهاجرت و اقامت  
عشق آباد کرده و در پنجاه و نهم نوبه و نیز کرمان حاجی محمد سال ۱۲۰۵ تصدیق کرده مهاجرت مشی با نند و کرمان محمد علی  
در مردان ادب و در زرت فائز بهمان شد و رفت مشی با سکونت حجت رحله بر قرار کرده و از رجال معظم سرود  
حاجی میرزا ابراهیم بن حاجی میرزا حسین در اعظم فقها و فقه و فتنه ساکن سرود و در واجبات نظام و شدت تمام است  
مهاجرت و در جمعیت در بیات و اقامت داشت و در ایام اقامت حضرت نقطه اولی در خانه میر سید محمد امام محمد صنها  
شرف ملاقات فائز گشت و بعد عرفان در میان مدیح میج گردید و در مراجعات تقصیرت زار و زنده گمان عقیدت کرد  
و گفته که اعداد هجرت در دفع خطر مهاجرت و در رعایت صبر نمود و با چه حسبط نام با به شهر گشت در قضا و در قضا سعادت



و شایسته زرد شیراز شاه روزی که میرزا از چاقی صمیر داشت است و است در سلیمان لفظ است بقا و در شایسته  
 فراغته برگ و وقع شده است. منت حسن نصیحت و ارادت ه بار دهم صمیر داشت آن است با قبول نمرد گفت  
 برگزینند میرزا عالم نبردندی را چنین نسبت نمان داد و با کلمه شکر خنده و کینه و جی میرزا احمد علی وزیر رسیده است  
 شهر بهانه در لمر کوس ایی نوز عرفان دایمان یافت و تا فراموشی مع کور در کور رسید شکر تا در این چنان در گذشت  
 و یک از شهر ترین بنیان کردند اما حسن شهر میرزا ایی سال میرزا در دست داشت و پنج ایمان ما بر اینی یافت و ده  
 ایی قیدین الی نام باب شهر گشت و است قدرت و شکر و غیر برای بس که جمع سال دومی محمول در کول بود و ده  
 هم و خوف از در داشتند و از راه دایمان حمایت و رعایت کرد تا که در دوران حاجی شریعتی در کور حاجی میرزا احمد اکرم  
 و حاجی میرزا محمد علی با جمعی بر است شده شروع با و تفتیق نمودند و شریعتی در کور گرفت چو است نیز بر هشت نمود تا یافت  
 نظران داشته شاه حاضر شدند و در ایی جدید فرسان صفت العدل در رسید که رسید کند و در صحن عبور از میرزا خضر  
 بجای فرزند خان سرب صاحب قندار کردار جمع نمود که با میرزا احمد علی خضر خنده بر که دم اقرار بقصد کنند عشرت  
 اعظم داد و در سرب کور چند تن نروس سرور و زمین را در کور کور و در دوران شریعتی در چند تن دیگر خضر کرده در خصوص بیان  
 و عقیدت ان به شقاق و بیضی کور و زمان طبع لوح صادر از قلم اینی که سه روز قبر از ان در عشق ابا رسید و پنجمه ده  
 ضمن بیان سندج که لکن ان تمسکو با قبل من قبل النقیه و بی و در این بابی استی رفتار کردند و حاجی میرزا احمد اکرم شریف  
 گفت حاجی تخمین و اقرار نیست در این شایسته که این جهت با بنید و بیاید حکم فقر چند تن را داشته حاجی بسید حسین

بیشتر که در باب شریعت در جمله دود که حکم را ایضا می دود و شرح در ذمه گفت مشرت و چنین عملی بکردن از حد  
 در این باب است و محمد و شافعی گفتند که حکم را در وقت شرب و با قهقهه در جوار خود درین روزهای و محمد بن ابی حنیفه  
 در وقت سعادت در وقت اشغال از میت و در وقت حکم را از دست مرتب نهاده اظهار داشت که با احوال باشد  
 مرتب گفتند ما در این روز که هر که آمده کند در این شب فرستم و بچک اقرار کردند پس روی جاب فرمود گفت  
 تا هر خصمید و گناه خود بود و محمد بن زبیر و فرموده در یک خون در عرفشان حوش برید و بعد از آن ما بخوبی بر  
 داشتند که در آنکه حاج شدند در ایامی قبل از آنکه در این فضا سخن کرده بعد جاب را در وقت قتر حاجی محمد کاظم  
 میخواند و میرزا ابی حکیم و آقا میرزا حسین و آقا محمد حسین میخواند و آقا محمد حسن از کوه اوردند و سید محمد سید محمد نام از شیراز  
 بخوار شده بدقتش را همه گرفتند و آقا محمد قمر و آقا محمد سید میخواندند که در کتاب فرمودند که در هر صد زمان نقد و ده مدد  
 گندم مدستند مذکور است و در این روز که در وقت شرب و در وقت شربت لصد بر اربع و آقا محمد بن زبیر  
 چند جوع غیر مصلک بر ایشان دود کردند و آقا محمد حسن چون ما جوی مشا به کرد آلات حرب و ضرب همیا نوه فرمود  
 نمود و برادر خرافقه جمیع کرده ناگهان روی حمله و هجوم کردند و چندان نود که یقین همکاش نمودند و در چند روزی در شهر کوفتی  
 در آن روز خوسید و شفا یافت جسم بسته شریعت را و حکم عرفیه معضد و شرح و ال رسای جمال سعادت شمال  
 حاجی میرزا عبد کبیر و حاجی میرزا محمد علی انبیران زشت و شریعت را در حکم آن نیز ایضا کردند و در ایامی چند حکم شریف برای او  
 رسید که دو سینه مذکور در آن حال دیگر بوده مشاهده فرستند و بنیه کافر کرده تحت کند و غیر در بنجر میگذارد و در دوران شریعت را

تحت المراقبه نظران در تمام کسبه و هرگاه شرفی در شرفت نیز فقط حاجی میرزا محمد علی را با دست کشه و در لایحه ای  
 حاجی فرزند خان سر قیاب را از سر زده طلبیده شده و قیصر فرود گفت به در ظرف دو شبانه نزد سیدین شهید خان  
 شرف در سرب کاجم سرودن خود عکس گرفت که که اندر او هر چه ممکن از گرفته شهید فرستد چنین نمود و اولی بجه  
 حضرتان در در راه چوب بسیار زده چسب کردند و سرب کاجم سرود که سر زده رفته حکم در دست با در باره سر زده  
 شرفی در محرمی نیز در سر زده تا تحت در احوال هر دو آخذ اگر گرفته چون خوبت نظران فرستد شرفی در شرفت نمود  
 و در حاجی میرزا محمد علی را که در کسب کسب شده و حاجی میرزا محمد اکرم با نیت خاری بر اثر سرب کاجم شرف زده  
 با نیت چهارم در راه نظران کردند که در آن وقت شرفی فرود گرفت که تا در چوب شرفت بعضی خانه عودت  
 بنه بابت و در این طریق بسیار شده و در ای ای دور در گذشت و صاحب سر زده در توقعات جدیدی با سر زده ولی  
 حاجی میرزا محمد علی باز نایب در گذشت و خانه را با باده و ترغیب تحریک و بیخ نمود و فرقی در وقت حاجی حسن و در وقت شرفت  
 که در راه بحال جامع در محرمی مدعی اکرم بده با نیت و در چندان زود که بحال شده و بیخ و بجان زود که شرفت فر  
 رسیده و در وقت در صحبت با شیر را گرفته تا در خانه حاجی میرزا محمد علی برود زمین کشیده و حکمران خبر فتنه جسمی باوری  
 بهندگی مظلوم سر بسته و سمیت خانه حاجی میرزا محمد علی شرفت در نیم کشته را در حال یافتند که شهر را با بدون خانه محمد فر  
 قتلش را در راه اخذت نوزادن میجویند و انوشین کشیده نگهان از روی خاک رجاسته روی شرفت کرده گفت حق در  
 باره من قسم با فرورد که در راه است و آنرا در ایلام نیت و بیک من کجی از زنده و پسنیده لم و این سخن بیان



سند گشت که چند روز قبل از واقعات مذکوره در قم ایضا فایده کمالی حاصل گردیده و در  
ایضا محمد حسن چنین مسئله بود از کرم سنی محمد قلی حسن در شرف رعایت تابه فانی انصباح لا خوفک شرفات العالم ولا

سطوة الامم ولا تخزیک ضررنا الفخ من الحق قم باذنی دلی بنام درستی با فی الامم و السو است اینها سبب اتفاق با این  
زود حکمران فرشته تفسیر سابق را ذکر نمود و اجازه حاکم تفسیر یافته را از ایشان گرفت کرد و در این شهر نگارنا حوا

رسید که صورت زود نمودند زود حکمران فرستاد در باب فرزند صالح اقامت نمودند یعنی حدیث حکمتی چنین بود که برای  
میرزا محمد علی درص از شریفی در میسوی گویم که ما چون کس که شکل ما که در هر شهر که در هر دست حکام شرعی

شاه دست منوع دستر شایع من بعد از این حرکات ناشیستند از قضاوند خود حکومت با دست حدیث را  
کج بود و در اسناد نظران فرستادند من را بخوای مکر خود رسانند تا مردم حاجی میرزا محمد علی حساب ما نمودند اگر در حکمران

مفسدین را از خود جدا کرد و در هر یک که در خود دم نداشتند زود تفسیر زود حکمران که آید شد و ختم من جدا کرد حسب  
عقیدت نامه خود رفت و چهرت از طلب بدرفت کردن و بعد از اتمام ختم خود باز پیش من و با اعتبار شدند

و در پیش از ختم هر که گذشت و روی زمین برودند و در خود بخوند و پیش هر دو حالت شد و تا محمد حسن پشت  
در استقامت در برودند تا فرزند شمس جمال ای واقع شده یعنی با او معاشرت کرد و عاقله و قرار که نیست پیش تا عاقله گویم

بن زمین شهر و بنده که خدا حسین کشی در پیش عباس محمد (شهرید) و شیخ صاحب بر زمین (سرف) بودند و از بهتان  
شهری همی زود بود آن سلاهای بر زمین حصر صان کن در زرت و بند که در زمین سلطنت حضرت آقا با تمام حاجی میرزا محمد

مشهد از بسبب احترام ایام حشر، محرم نسبت داده فزونی قنبر و خازن صادر کرد و امانی جناب مرید بکشان  
 ریختند وفات کردند و در سالی از آنحضرت محمد زکریا کشیدند و در کنگره شهادت رزایشان گشته و نام  
 صبر ایسلام معروف شد. در کنگره یک میرزا محمد زکریا را چنانکه در بخش سوم آوردم حکیم سعیدت پسر ایرا  
 ن تربت دارد که در حشر زایشان تمام علم دین در پاره کرده از طبابت و شفاش کند که در سینه گشوده و پس بطلب  
 که طایفه قریب تری ایانی کردند و در حدود سال ۱۲۹۰ هجری گزیده ایشان در تبریز بودند و در ارجح حال  
 سنجاب امانا بخلی افشاره گشته از سنجده شام بر روی برگ که در دوا فرایش مراد در مشهد حضرت مصلی  
 یافت و بخدمت شریفیه قیام کرد و در خدمت رسیدند و در کنگره شوال تجارت شد و خانه از روی دین  
 در برقرار ماند و بگیش شام بر روی این بسطیل که در دوا فرایش گزیده است تا که در سینه گشوده و نام پریم بدست یافته  
 در سال ۱۲۹۳ با برادرش آغوزنده خدای باغی بخدمت شریفیه گزیده و فری بسیار در غربت  
 سخت را بپیشه تجارت در دوا گزیده زیت تمهید بسیار در چندی در غربت در شمارا نه و در ایام خیره بود و شوق  
 هجرت کرد، سال ۱۳۲۶ وفات یافت و جنازش بخدمت این امر نماند گشته و نیز حاجی برسی اول که باغی  
 مقصد فرقه کفر اهل شرف میسر کرد و نیز خدا در دین برسی با فضل و کفایت بجهت تبلیغ کرد و در مجلس هیو با شاهان در حبه  
 در ناظره نمود و قنبر از سال ۱۳۰۹ وفات یافت و خانه در این امر بر جای گشته و نیز آقا خان رضا حاجی حبه در کنگره عبد  
 در پیش آقا محمد در دوا زاده شمس حاجی در سف میرزا آقاخان و در پیش آقا محمدی و حاجی اعیلی که با پسر و برادرش کفر اهل شرف

هست دیگر حاجی بوسی بن نصیر تا جبر بر طرف در لبر بوده احتفالات در خانه شریف و جیافت و جان  
 به امرت مشفق آباد کرده ماند تا در پنجاه و نیت یافت و از ده خانه دهه و چار و ده دیگر دانه محمد صادق قاسمی  
 و آقا جیم در مساجد در طرفه سخاوت کرده مگر این مستور شرف بیفته رحمت کند تا در گشتند و از آقا جیم  
 خانه و چه بر جات و از ده گزشتن آقا مهدی نیز ساها ده پنجم و سخاوت کرد و دیگر آقا رحمت الله در در شاه برای  
 مردی پیشند و منزه وصال در راه این لبر بود و در این شهر اقی شمس مال این را در دیگر در ایام حضرت غصن عظم بر نیت  
 در حکایت و در ده خیر ایام در موزارسته رایت محفل در ده نیت تا در گشتند و چند شرف در صد گزشتی راه این لبر قیام  
 کردند و دیگر آقا سید الله نامدار در ایام خیر امانت بود و نیت عرض و در ده گشتند و رضی گشته اند که مسموم شده و بر نیت  
 نیز در این راه نامدار شدند و بر گزشتن آقا فیض الله را در سال ۱۳۴۰ در این راه نامدار شده اند که گزشتند و در ده گزشتن  
 آقا عزیز الله حدیب بر که چند بار با این مستور شرف گوید و تسبیح می کند و نیت گشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 حضرت ستره در مشهد خیران بر در زمان نزد خباب با عزیز و با نیت گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 این لکس ریش فراهم بود و آنق در محویشان رسیده و نیت نمود و خباب با عزیز و چون دیدند که در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 بر در زمان با عزیز و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 نگردم و در صندوق خط نمود و در راه رسید و نیت با سلیم برید و بگردد که این در گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 از سید بفرمودید و در گزشتن امانت نیت و نیت گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 امانت را در گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند  
 عزیزان در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند

عزیزان در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند و در ده گزشتند



که سعوی نصر اسی شرف مست در در اور خرایم در تقصد عشق آید سعادت محمود عاقل در درین امرهای بی و در سب

بنیان فریبان تا سید ابجد خواجه زاده آن میرا احمد از خدی و در این ملاطفت در قرچان و میرا علی گبر و اما ملاطفت در درو که

مردف سحر پیش بود که هر دوین خیرا اعدا گرفته حرب بسیار زنده و این ملاطفت در درو حرب شهید شده و در این

زیر در قرچان شهادت بسید در محمد بنیان حرب و در عشق که در درو شهادت را نام دریم ملا علی صرف در وقت

شهادت حاجی محمد محمد ضروریه چشم خوردش بره نمود تا زنده بیدار کرد و در سال ۱۳۹۹ در شیران در وقت ملا صادق

که در کیه جناح در لبر اسی بینه بفر آید در بینه مطهر نوره چون عدت بکربان بیکه در درو حرکت بکربان بر شهر علی کبیر

برادگ بند در درو بفر کرده تحت عدت بفر کرده است این امر در درو تا در کیه از بنیان ما در درو و در وقت شهادت

ملا علی شهید شده عقیدت و این را بکبیر کرد تمام این امر در درو شسته بود در عرض تندی اعدا کردید و وقت سال ۱۳۹۵

جهت منق ایا که در بصره شهادت است سال ۱۳۹۹ بیکه گرفته جبر در حرارت اسی سر در نگاه عدت منق آید

و عاقل بنده از در وقت در باغ و درین تکار در نصبت در حال که از در وقت سر شهر بسنی نقوه خانه بر وقت شهر در درو محرم

آمده در وقت دیگر حاجی از شاکر یکی که تعیین نیا که کسب ایا این را که در نگاه و در وقت منق ایا در درو سال ۱۳۹۵

چنانچه در وقت منق ایا در درو سال ۱۳۹۵ تا محمد قنداق ساز در عند ان حواله جهادت اهل قصه کرده در وقت

این بنامند و سعادت حتی در درو در باغ در باغی دکانه حسب قصر لای اشکری وقت ایا سازی در نیم لعلک

در اسکو بازره و منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو

ملا علی در وقت منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو در وقت منق ایا در درو

فصل اول در بیان آنکه حضرت علی با بر سید و دودار طرد فرمودند و به حال و در آن وقت در خانه خرابی داشتند

# خوزستان

در قسمت جنوب ایران خوزستان است بنامه از مراکز و این در نقد کر که چهارشنبه صدوی از امان

در قسم دیگر مکتب فایز باین گشته و فدایه من بهی مرکزیت جمیع کثیری در زمین شهرت یافت و امم

و شهر باین بنام حسن خواجه نعمت در قریه زینان سکونت داشته مکه مدی میوه در آنجا سالی در این

همان مصلح از در بر می گردید و در آن گنبد در این ایامه موجب ایمان مصلحی دیگر گردید پس تقریب من در می

بمشال نموده شروع شهر این در کرد و در دوره تن فایز باین گشته در زمین شریک از ده این از افق عراق

محمد نامی در آنجا رسول کرده عراضه مضر مارک فرستاد و بدین سبب در آنجا صحرانوردی در شانش صادر شده

و در آنجا در غیر نفیحات بر وجه باین نام نزد خاص عام شهرت در کرد و در آنجا در فضیلت اهدا گردید

چنانکه در سال ۱۳۱۴ مازین را در این دید کشیده مکه بس فود و او پیش را در روز و ما لافزه در آنجا در آن

که شیخ عربی بدست مضر در با گشت و بعد از و شانش مخلص در این لهر نامه در فده گشته که گردید

# عراق ایران

# اصفهان

اصفهان در پیشرو زمین شریک شمال این از حیث کیت بهم کیفیت مرکز هم در این این در شده

در حالی نامی و شهیدای گرامی را بخت و الهامی کثیر را بر سر خود و صدور یافت و در آن حال اعدای معتقدند  
 صف اول در آنجا نرسیده فتنه و تصنیفات شدید و دریم کردند که در حجب مهاجرت گری گزیدند  
 نرسیدن گوید و از آن بهر بیان که در آنکه در آن روز و ظهور را این عرفان و ایمان صبر کردند و در حجاب  
 این امر را در آن شدند حاجی سید محمود محمدر و در پیشش میرزا احمد الحسن محمدر و میرزا علی محمد سیف الذاکرین  
 دیگر آقا سید عبد الرحیم که سال ۱۲۰۸ در گذشت و پیشش آقا سید مهدی علاقه مند بنام شهرت  
 دیگر آقا عبد الحمید خلف صاحب گندم باک کن شهید و در طبرسی که در آنجا به سال فتنه نزدش علماء و بزرگان  
 ضرب و آزار بسیار کرده و بنیان محمدر و در آنجا نیز چنان رمانه دادند و از آن حشرش و در آن  
 آقا سید باشم که نیز از بنیان معروف شهر بود خانه را در آنجا ماند و دیگر میرزا محمد علی نوری در آنجا بودیم  
 شمس الضحی رب از عصا خارده نوری حاضر ما میرزا محمد حسن سلطان شهباز و میرزا محمد حسین محمدر بنام شهرت  
 مرتفعه امر این و ما در نظیر بودند و ما شرح احوال احزان فتنه نوری را در بخش سوم آوریم و میرزا محمد علی در ایام ضیاع  
 در آنجا چنان در بخش دوم ذکر نمودیم بحسب جملات کمال این فتنه گوید و در آنجا اول عراق عرب نیز بخت  
 و ضعیف محمدر که با آنکه صیت شرافات از آنجا بهر از افق عراق زمان خستیدار کفش بود و ما در آنجا در آنجا  
 مذکور سال ۱۲۷۳ بنده در آنجا رفت و در آنجا در آنجا فضال بر برده در خات ایام جملات در آنجا رفت و در  
 صدر سال ۱۲۷۵ در آنجا رفت و در آنجا در آنجا فضال بر برده در خات ایام جملات در آنجا رفت و در



نیزه بیگم چاند دفا و بخش لائق تقدیم شرف آفران حضرت غمگین عظیم رسید و در آن ایام از وی بصره  
 ظهور آمد و فرزند میرزا محمد علی کبیر سلطان بیگم از بدو بجای سید محمد یزدی در آمد و عاقل مدبر و درین مجلس پیش  
 نشست و خرد تراش بر سید بیگم سخت زنده این علم خود آقا سید علی بن میرزا امدادی در بعد از او تالش برده میرزا  
 اسد که غریب میخایم شده عاقل و فرزندان در پیش حاجی سید کجی تقیم درین مجلس شده عاقل و سید روحی  
 که پشت و آقا میرزا محمد حسن و آقا میرزا محمد حسین که پسران میرزا محمد ذرا سیم بن حاجی سید کاظم صیقلی در سنین صفر  
 و احوط چهل و نهم هجرت از این عرفان و ایمان بیخ زشتینند و از افاضی در صدد چون دستاره دردی در خستید و آقا میرزا  
 محمد ذرا سیم که غنی و مکرمین بود و لاک و لاله آقا میرزا سید محمد امام حبه را در قضاوت نشست و در ایام آقا است  
 حضرت اعیان سخاوت نام کرده اشرف لغا رسید و خلاص دوزخ نیز در خانه خویش از آن می گورد سه ساله و در این  
 سیرانه نمود و تقام حب و عرفان فائز نشست و در چهار پرورد بترتیب بدین بسامی آقا میرزا حسین و آقا میرزا حسن  
 و آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا کاظم و سیر خیر در جوانی از این عالم در گذشت و در سپهر خرد صفا آقا میرزا حسن بعد از فوت  
 پدر سرور افروخت و در تقاضای مایه بسوزید و حیرات ظاهره ترقیات نمود و چنانکه گفتیم در ایامیکه او در ایامی از  
 ارض عراق سید شید سال ۱۲۷۳ تبارق عثمان میرزا محمد علی بنفیلد فرستند چندی آقامت در سفینه استضافه  
 نمودند و چون رحمت درین کردند در زمانه لاک صورتها در معانی ترقیات بسیار نمودند و در سببی گسترده و در ایامیکه  
 با در آن کثیره پیدا یافت بر ایام عظیمه شان بدست تبار و در میان صیقلی که در وقت آن سید شید

و جمال رئیس کماشند که منته و زینات و همبر باو میبوند و صحت جنتین پیدا نماید و دست و درازان  
 کنی و اقتصادی را ام جمعه مذکور نیز پس از فوت میرزا محمد در ۱۲۸۵ بمقام میرزا حسن نفوس گشت و چون امام جمعه  
 در گذشت در ابدش میرزا محمد حسین سبی کرد که بمقام امام جمعه رسد و شیخ محمد قزقمحمد سبانی اصف را بر آنکه  
 نفوذ دیگری در مقابل نفوذش قرار نگیرد سخت ممانعت و تقاضای کرد چنانکه نزدیک آن رسید که عمل خانواده  
 امام جمعه را متفرق سازد تا میرزا حسن بمقام گشت و رفت در ابدش امام میرزا محمد حسین را امام جمعه نمود و امام  
 و ملاک امام جمعه جدید نیز در اوج باو گردید و آنقدر دلداد صید القدر معاد و قدرت ثروت و ربط و زره تجارت  
 و قدرت عظمت در خدای روحیه و کماهی رضیه قید منظر و در منزل و گرم در بر پستی و باله از درانه و اعالی  
 معروف شهید شدند و عطا و در کان بد حصه و میرزا محمد حسین امام جمعه و در اصل مشکلات خود از ایشان استمداد  
 نمیند و در مجامع حاد سال ۱۲۸۸ بمقام و سخاوت خارق باو و حفظ خان و نگهداری فقرا و صنفیان در سبکی رسیدن  
 غیریم چنان قیام و آبرامی کردند که اباله در اوج و ارضان سرور همه را کوی و در زن بجزند و تا میرزا حسن  
 صبی را داد نیست که در ابدش شیخ محمد قزقمحمد در ابدش از عا لافه باز کردند گندم را فقرا تقسیم نمود چه که  
 شیخ گندم را فرزند لاک خود احتکار کرده است به پاکت فوج فوج در مردوزن و کبر صغیر و با بر او عطا و  
 نصیحت که باو می گفتند گندم در ابدش را محفوظ و مضبوط کرده باشد و در کار سختی روز ششصد تا نهمش سبقت زید  
 مال رسال زید و بجهت دو اخوان محسوب بماند امام صنفیان شدند در عین حال مدون کردیم و لال در عشق

میرزا محمد حسین  
 در ابدش  
 در ابدش

